

اولین کافه رستوران های مدرن در تهران

۱۱ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۱۰

دوره حکومت واپسین شاهان قاجار بی شک یکی از مهم ترین ادوار تاریخی ایران بویژه در حوزه فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی محسوب می شود.

به دنبال سفرهای پی در پی ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه و احمد شاه به اروپا و نیز نفوذ گسترده غرب در زندگانی تمام اقشار جامعه قاجار، خواسته یا ناخواسته فرهنگ اروپایی نیز به ایران وارد شد، به نحوی که برپایی کافه ها و رستوران هایی به سبک کشورهای اروپایی، تنها یک نمونه از آن بود؛ چنانچه نور بخش می نویسد در دوره ی احمدشاه با ایجاد چند واحد پذیرایی و اقامتی جدید تسهیلات تازه ای در اختیار مسافران و استفاده کنندگان از این تأسیسات در تهران قرار گرفت. بعضی از واحدهای پذیرایی سنتی شهر تهران نیز برای هماهنگی با این تأسیسات، تخت و نیمکت های خود را به میز و صندلی تبدیل کرده و کارد و چنگال را نیز به لوازم خود افزودند.

قهرمان میرزا سالور در شرح خاطرات جمعه ۲۶ ذیحجه ی سال ۱۳۳۰ / ۱۵ آذر ۱۲۹۱ درباره هتل انترناسیونال واقع در خیابان لاله زار می نویسد: «ما را بردند به هوتل انترناسیونال که فرخ میرزا خیلی تعریف می کرد. در باغچه نشستیم چون متعلق به آرامنه است روزهای یکشنبه جمعیت می شود و خلوت بود. خبیرهمایون فرمان چای داد، خوردیم. بعد برخاستیم دم در قیمت پرسید گفت چهار قران. یک مرتبه مثل اینکه حالت سکنه به خبیرهمایون دست دهد خشک شد. ما خارج شدیم و او بعد از اندکی مرافعه خواست پول بدهد به آن اندازه پول نداشت، دنبال ما دوید و از هر کدام چیزی گرفته رفت داد و مراجعت کرد».

عبدالله بهرامی نیز درباره ی اولین کافه و رستوران های تهران در این دوره می نویسد: «اولین کافه به طرز جدید را آنچه من به خاطر دارم مرحوم صدیق حضرت ایجاد نمود. این شخص مدتی در خارج از ایران تحصیل کرده و شاید در مأموریت های سیاسی هم عضویت داشته است؛ در هر صورت شخص با سلیقه و قریحه بود. در خیابان لاله زار نبش میدان مخبرالدوله در باغ بزرگی که در آن وقت وجود داشت یک کافه ی باصفا که دارای میز و صندلی بود ترتیب داده و مردمان متوسط و روشنفکر آن دوره برای تفریح و گردش و گذراندن چند ساعتی از اول شب به آنجا می رفتند و برخلاف محل های عمومی شهرت خوب و آبرومندی داشت، ولی در آن وقت معروف شده بود که این کافه خیلی گران است و مطابق عایدات مردم نمی باشد، زیرا که یک گیلان شربت از سیصد الی پانصد دینار به فروش می رسید، در صورتی که در قهوه خانه ها و چلوکبابی ها صد دینار بود.

دوم کافه ای که به تقلید این محل تأسیس یافت در اول خیابان لاله زار در خانه ی بزرگی بود که محل سکونت ناظم السلطنه بود. که بعد به قطعات کوچک تقسیم شده و تبدیل به مغازه های مختلف گشته است. این کافه را [ناظر] امیرنظام که با پسرهای او به آلمان رفته بود پس از مراجعت در آنجا تشکیل داد. ضمناً آشپزخانه هم تهیه کرده نهار و شام منظم در اختیار عامه گذارده بود و قیمت اجناس را طوری قرار داد که از کافه ی صدیق حضرت برای مردمان مرفه الحال آن دوره مناسب تر شده بود. قیمت یک گیلان شربت از یک عباسی تجاوز نمی کرد و مردم به خوبی می توانستند که با یک قران شام یا نهار در آنجا تناول نمایند. به همین جهت این کافه طرف توجه عموم واقع شده و می توان گفت که طرف عصر نزدیک به نصفی از صندلی هایی را که توی حیاط چیده بود پر از جمعیت می شد. ظاهراً یک یا دو محل دیگر هم بعداً به توسط اشخاص مختلف تأسیس گردید، ولی مانند این دو کافه توجه عامه را به خود جلب نمودند».

در حدود سال ۱۳۳۵ ه.ق. / ۱۲۹۵ ش. مهمانخانه ی مدرن و مجللی به نام گراند هتل در خیابان لاله زار، در قسمتی از باغ و خانه ی شمس الدوله و سیف الدوله احداث شد که مهمانان خارجی در آنجا اقامت می کردند. این هتل علاوه بر سالن رستوران دارای دو سالن دیگر نیز بود که از آن برای نمایش فیلم و تئاتر استفاده می شد. گراند هتل بیش از سه دهه دایر بود و پس از تعطیلی سالن آن به تماشاخانه تبدیل شد.

سعید نفیسی در شرح خاطره ی اولین ملاقاتش با میرزاده ی عشقی اطلاعاتی درباره ی هتل های موجود خیابان علاءالدوله در سال های مقارن کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ می نویسد: «پس از اندک گفتگویی به او پیشنهاد کردم برویم با هم در جایی قدری بنشینیم فوراً پذیرفت. در آن موقع تنها جایی که ممکن بود کسی در آن بنشیند و چیزی بخورد و استراحت بکند، دو مهمانخانه در خیابان علاءالدوله آن روز و خیابان فردوسی امروز بود که یکی را یک خانواده ی فرانسوی، اداره می کرد و مهمانخانه ی پاریس، هتل دوپاری نام داشت و دیگری را مردی بلژیکی، که مهمانخانه فرانسو، هتل دوفرانس می گفتند و هتل دوپاری به اصطلاح پاتوق من و معاشرین من بود. با عشقی به آنجا رفتیم در کنار تالار بزرگ مهمانخانه که در وسط آن یک میز بلیارد هم گذاشته بود و صندلی ها را ردیف پای دیوارها چیده بودند نشستیم».

منابع:

۱- سالور، قهرمان میرزا، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۵، تهران، اساطیر.

۲- بهرامی، عبدالله، خاطرات عبدالله بهرامی، تهران، علمی.

۳- نفیسی، سعید، خاطرات ادبی یک استاد، نشریه سپید و سیاه .

*نوریخس، مسعود، تهران به روایت تاریخ، ج ۴، تهران، علم.

منبع: قدس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/29443/تهران-مدیر-های-رستوران-کافه-اولین>